

مروری بر تحولات اقتصادی ترکیه

(۲)

در اینجابه بررسی علل

و عواقب این بحران که منجر به تغییر سیاست‌های اقتصادی ترکیه در دهه ۱۹۸۰ گردید می‌پردازیم.

طی سالهای سومین برنامه ۵ ساله، ترازپرداختهای ترکیه از وضعیت نامطلوبی برخوردار گردید. در سال ۱۹۷۳، اگرچه ترازتجاری این کشور با یک

کسری ۵۹۲ میلیون دلاری مواجه بود، لکن ارزهای ارسالی کارگران شاغل در خارج و درآمد خالص خدمات باعث گردیدند که این کسری به یک مازاد ۵۱۵ میلیون دلاری در حسابهای جاری ترکیه تبدیل شود. از سوی دیگر، افزایش سریع واردات همراه با کاهش صادرات باعث گردید که تراز تجاری این کشور در سال ۱۹۷۷ با یک کسری عظیم ۳/۸۸ میلیارد دلاری مواجه گردد. یکی از مهمترین عواملی که به بدتر شدن تراز تجاری ترکیه کمک کرد، افزایش نرخ واقعی لیره ترکیه در خلال این دوره بود. (۱)

علاوه بر وضعیت نامطلوب ترازتجاری، یک کاهش اساسی در ارزهای ارسالی کارگران شاغل در خارج و درآمد خالص خدمات باعث

(۱): در خلال سالهای ۷۷-۱۹۷۳ نرخ واقعی ارز در مقابل شرکای تجاری ترکیه ۱۳/۲۰ درصد افزایش پیدا کرد.

گردید که در سال ۱۹۷۷ تراز حساب جاری با یک کسری عظیم و بیسابقه ۳۵۷۲ میلیون دلاری، مواجه گردد.

بطور کلی مهمترین عوامل داخلی و خارجی که منجر به وقوع

این بحران گردید را می‌توان باین شرح خلاصه نمود:

(۱) استراتژی جایگزینی واردات بعنوان حمایت از تمام‌معی صنایع بدون در نظر گرفتن هیچ گونه ملاک اقتصادی - همچون رشد بلندمدت و پتانسیل‌های صادراتی این صنایع - به مرحله اجرا درآمد. از این رو، گرچه در ابتدا قرار بود که این حمایت موقتی باشد، لکن تولید داخلی در آن زمان ضرورت تداوم حمایت را در مقابل رقابت خارجی ایجاب می‌کرد، که این منجر به تلف شدن منابع - اقتصاد و توسعه بسیاری از صنایعی گردید که از کار آیی لازم برخوردار نبوده و کالاهایی تولید می‌کردند که از نقطه نظر هزینه تولید، قیمت و کیفیت پایین تراز استانداردهای جهانی بودند.

(۲) در حالیکه یکی از اهداف عمده این برنامه‌ها، کاهش وابستگی به منابع خارجی و کالاهای وارداتی بود، لکن اتکاء به واردات روز بروز بیشتر گردید و تنها ترکیب واردات آنهم بر اساس آنکه چه چیز در داخل قابل تولید کردن می‌باشد، تغییر کرد.

(۳) مشوقهای نسبتاً " محدود برای بخش صادرات و همچنین ارزش‌گذاری بیش از حد پول داخلی - که خود نوعی حمایت برای صنایع داخلی از طریق تامین سرمایه ارزان از بازارهای جهانی - محسوب می‌شود، باعث گردید صادرات سیر نزولی پیدا کند، در حالیکه روند واردات همچنان روبه افزایش بود. که این امر در نهایت، کسری مزمین تراز پرداختها را بدنبال داشت.

۴) به منظور جلوگیری از فشارهای خارجی بر قیمت‌های داخلی، دولت برای قیمت‌های نفت و فرآورده‌های آن بعد از اولین شوک نفتی در خلال سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴، سوبسید برقرار نمود. این عمل نه تنها از تحقیق در مورد منابع انرژی جانشین نفت جلوگیری بعمل آورد بلکه در همان زمان قیمت‌های بازار را از شکل طبیعی خود منحرف ساخت.

۵) علیرغم اثرات منفی اولین شوک نفتی، دولت ترکیه همچنان به برنامه سرمایه‌گذاری های کلان خود ادامه داد و متعاقباً سیاست بودجه‌ای انبساطی را که عمدتاً "از منابع بانک مرکزی و از طریق گسترش سریع حجم پول تامین می‌گردید، اتخاذ نمود. علاوه بر این، علیرغم بدتر شدن وضعیت تراز پرداختها، هیچ اقدام قابل توجهی در خصوص وضع محدودیت‌های وارداتی از سوی دولت بعمل نیامد. همچنین بدنبال کم شدن ذخایر انباشته شده بین‌المللی^(۱) از اوائل دهه ۱۹۷۰، سیاست دستیابی به نرخ‌های بالای رشد اقتصادی نیز که از طریق وام‌های کلان خارجی تامین می‌گردید، همچنان در اولویت قرار داشت.

بطور کلی دولت ترکیه به لحاظ اجتناب از یک برنامه تعدیلی اساسی و استفاده بیشتر از وام‌های خارجی، ضمن اینکه بر ادامه سیاست جایگزینی واردات (استراتژی توسعه با سمت‌گیری‌های درون‌گرایانه)^(۲) تاکید می‌ورزید، بحرانی را که می‌توانست در سال ۱۹۷۴ بوقوع بپیوندد به تعویق انداخت. در نتیجه اثرات منفی و زیانهای ناشی از آن در سال ۱۹۷۷ آشکار گردید.

(۱): ناشی از تراز حساب جاری بعلاوه خالص جریان سرمایه (بداخل).
(۲): Inward-Oriented Development Strategy.

این بحران ، همراه با دومین شوک نفتی در سال ۱۹۷۹ ، وضعیت اقتصادی ترکیه را بشدت تضعیف گرداند . افزایش سریع و بیسابقه نرخ تورم ، کسری شدید در تراز پرداختها و رکود در تولید متعاقب کمبود داده‌های وارداتی و تضعیف شدن اعتبار ترکیه در بازارهای بین المللی سرمایه از پیامدهای عمده وضعیت بد اقتصادی این کشور در اواخر دهه ۱۹۷۰ بود .

رکود تورمی (Stagflation) در کشورهای صنعتی (متعاقب بحران نفتی) و بدنبال آن اتخاذ سیاست‌های انقباضی از سوی این کشورها که منجر به کاهش صادرات ترکیه و همچنین افزایش قیمت کالاهای وارداتی این کشور و نیز کاهش ارزشهای ارسالی کارگران ترک شاغل در خارج گردید ، در بروز بحران اقتصادی ترکیه و همچنین بدتر کردن وضعیت حسابهای جاری این کشور تاثیر بسزایی داشت . با اینحال بسیاری از ناظران اقتصادی معتقدند که بحران اقتصادی اواخر دهه ۱۹۷۰ در ترکیه عمدتاً " بدلیل اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نامتناسب و غیرعقلایی از سوی مسئولین این کشور بوده است و عوامل خارجی همچون افزایش قیمت‌های نفت و کاهش ارزشهای ارسالی کارگران شاغل در خارج ، تاثیر ناچیزی در این بحران داشته است و حتی اگر عوامل نامطلوب خارجی بر اقتصاد ترکیه اثر نمی‌گذاشت این بحران دیر یا زود در این کشور بوقوع می‌پیوست. (۱)

در مواجهه با این بحران ، مسئولین کشور ترکیه دریافتند که یک تغییر اساسی و عمده در استراتژی سنتی توسعه این کشور ضروری می‌باشد . با روی کار آمدن دولت جدید به رهبری

(1) : World Bank Staff Working Papers, Number 602, Turkey, Recent Economic Performance and Medium-Term Prospects, 1978-1990 (Washington, D.C: 1983), P. 12.

بلنت اجویت ، وی یک برنامه ثبات اقتصادی را در اوائل سال ۱۹۷۸ به مورد اجرا گذارد. بدنبال اجرای این برنامه ، علیرغم بهبود قابل توجه در کسری حساب جاری که از $\frac{3}{6}$ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ به $\frac{1}{7}$ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ رسید، نرخ تورم تشدید شد و سطح قیمتها بیش از ۵۰ درصد افزایش یافتند. از ایسن رو برنامه ثبات اقتصادی دیگری در مارس ۱۹۷۹ اعلام گردید و در ماههای بعد بدنبال مذاکرات مثبت با صندوق بین المللی پول ، وسعت بیشتری یافت .

علیرغم این اقدامات ، نرخ تورم شتاب بیشتری یافت و در اوخر سال ۱۹۷۹ به ۶۴ درصد رسید. همچنین وضعیت ترازپرداختها کم و بیش ثابت ماند و کسری حساب جاری در این سال به $\frac{1}{8}$ میلیارد دلار بالغ گردید .

در بخش تجارت خارجی ، کل صادرات در سال ۱۹۷۹ بایک کاهش جزئی در صادرات کالایی ، ثابت ماند. در همان زمان ، جریان سرمایه خارجی (بداخل) بویژه وامهای تجاری متوقف گردید و در نتیجه ، واردات بطور اساسی تنزل کرد. در مقایسه با سال ۱۹۷۷ ، واردات در سال ۱۹۷۸ ، ۲۱ درصد کاهش یافت و در سال ۱۹۷۹ تنها شاهد ۱۰ درصد افزایش بود (بر حسب دلار) .

همچنین حجم واردات نفت در مقایسه با $\frac{14}{3}$ میلیون تن مربوط به سال ۱۹۷۸ در سال ۱۹۷۹ به $\frac{11}{7}$ میلیون تن بالغ گردید. همچنین ، واردات کالاهای غیرنفتی که عمدتاً " کالاهای سرمایه ای و واسطه ای را شامل می گردید ، در سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ بترتیب ۵۹ درصد و ۵۵ درصد نسبت به سال ۱۹۷۶ کاهش یافتند . کاهش شدید واردات ترکیه در پایین آمدن ظرفیت مفید صنایع این کشور تاثیر

بسیاری داشت، بطوری که منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی
در سال ۱۹۷۹ گردید. (۱)

دولت اجویت در پاییز سال ۱۹۷۹ سقوط کرد و دولت سلیمان
دمیرل قدرت را در دست گرفت که آنهم بدنبال یک کودتای نظامی
به رهبری ژنرال کنعان اورت در سپتامبر ۱۹۸۰ از مسند قدرت کنار
گذارده شد. در اوائل سال ۱۹۸۰ دولت دمیرل اقدامات گسترده‌ای
را به منظور مقابله با وضعیت بد اقتصادی ترکیه به مورد اجرا
گذازد.

محور عمده این اقدامات، تغییر استراتژی توسعه اقتصادی
ترکیه از جانشینی واردات به گسترش صادرات که از سال ۱۹۷۸ مورد
بحث بود، به شمار می‌رفت. در این استراتژی جدید، علاوه بر
اولویت بخشیدن به مکانیسم بازار جهت تعیین نرخهای بهره،
قیمتها و نرخهای ارز، نرخهای تعرفه و سایر موانعی که قبلاً
به منظور تقویت استراتژی جانشینی واردات وجود داشت، کاهش
و یا حذف گردید و در عوض اقداماتی درخصوص رفع موانع گسترش
صادرات به مورد اجرا گذارده شد. عمده‌ترین اقداماتی که در ژانویه
۱۹۸۰ اعلام گردید شامل این موارد بود:

۱- کاهش ارزش لیره ترکیه از ۴۷ لیره به ۷۰ لیره در مقابل
یک دلار آمریکا

۲- حذف عوارض و حقوق گمرکی بر واردات داده‌هایی که
در تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار می‌گرفت

(۱): قابل ذکر است که رشد تولید ناخالص داخلی ترکیه طی
سالهای ۷۹-۱۹۷۸ به ۰/۶- درصد و بین سالهای ۸۰-۱۹۷۹ به ۱- درصد
کاهش یافت.

۳- سهولت بخشیدن به رویه‌های کسب مشوقه‌های صادراتی و

پروانه‌های وارداتی

۴- تسهیل مقررات اداری در مورد مشوقه‌های سرمایه‌گذاری

در جهت تغییر اولویت‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد مشوقه‌های ویژه برای فعالیتهای صادراتی .

علاوه بر این‌ها ، به برخی از شرکت‌های اقتصادی دولتی (SEE) اجازه داده شد تا به منظور بهبود سودآوری و کاهش کسریها ، آزادانه قیمت‌گذاری نمایند . بطورکلی ، استراتژی جدید توسعه اقتصادی ترکیه را می‌توان اینگونه خلاصه کرد : گرایش به سمت اقتصاد آزاد در جهت توسعه صادرات و تکیه بیشتر بر نیروهای بازار و تاکید کمتر بر برنامه‌ریزی .

بدنبال این اقدامات ، تدابیر دیگری نیز اتخاذ شد که در اینجا به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم :

در ژوئیه ۱۹۸۵ ، نرخ‌های تنزیل مجدد بانک مرکزی به‌سر براتهای کوتاه مدت افزایش قابل توجهی یافت و همچنین سقف نرخهای بهره پس‌اندازها و وامها حذف گردید که در نتیجه نرخهای بهره اسمی افزایش سریعی پیدا کردند . قابل ذکر است که نرخهای بهره واقعی تا این تاریخ منفی بودند ، بدین صورت که علاوه بر تشویق نکردن پس‌اندازها ، مشوقی بودند برای صنایع داخلی از طریق فراهم نمودن اعتبارات ارزان ، از این رو هم فشارهای تورمی را تشدید می‌کردند و هم به لحاظ عدم تشویق صادرات ، تولید بسیاری بازارهای داخلی را سودآورتر می‌ساختند .

تنها بعد از تقویت مکانیسم بازار پیرو برنامه ثبات

اقتصادی بود که نرخهای بهره واقعی مثبت شدند و این سیاست بطور غیرمستقیم مشوقی شد برای گسترش صادرات .

در ژانویه ۱۹۸۱، سیستم مالیات بردرآمد اصلاح و کنترل‌های وارداتی آزاد (Liberalized) گردید . همچنین مشوقهای صادراتی دیگری نیز مورد استفاده قرار گرفت که با افزایش تخفیفیات مالیات بر صادرات در ماه مه ۱۹۸۱ کامل تر شد . از سوی دیگر در ژوئیه ۱۹۸۱ تعدیل روزانه نرخ ارز به مورد اجرا گذارده شد و نرخهای بهره بر اوراق قرضه ، آزاد و با سطح قیمتها مرتبط گردید (Indexation) .

بخشی از اصلاحات ژانویه ۱۹۸۰ اثرات فوری بدنیال داشت . تفاوت ارزش لیره در دو بازار ارزی که در سال ۱۹۷۹ بطور متوسط حدود ۵۰ درصد بود به بین ۲ تا ۳ درصد کاهش یافت . قیمت‌گذاری آزادانه شرکت‌های اقتصادی دولتی باعث گردید که کسری ایسن شرکت‌ها بطور قابل توجهی کاهش یابد که منجر به کاهش استقراض بخش عمومی گردید . بطور کلی آثار مطلوب اقتصادی اصلاحات ، به لحاظ شرایط نامساعد داخلی و بی ثباتی سیاسی بدنیال کودتای سپتامبر ۱۹۸۰ ، محدود بود . شدت این نابسامانیهای داخلی که منجر به اعتصابات در ۸ ماهه اول سال ۱۹۸۰ گردید می‌توان از ۷/۷ میلیون روز کاری تلف شده ، در مقایسه با ۱/۱ میلیون روز کاری تلف شده در سرتاسر سال ۱۹۷۹ ، دریافت .

در ماههای آخر سال ۱۹۸۰ ، روند بهبود اقتصادی شتاب پیدا کرد و ارزش دلاری صادرات که در ماههای اولیه این سال دچار رکود شده بود ، نسبت به مدت مشابه سال ۱۹۷۹ ، ۶۳ درصد افزایش یافت . این روند در خلال سال ۱۹۸۱ به سرعت ادامه پیدا کرد و در این سال

با افزایش بیش از صد درصد در صادرات صنعتی ، به $4/7$ میلیارد دلار رسید . کشورهای خاورمیانه نه تنها بعنوان بازارهای صادراتی ، بلکه برای پیمانکاران ترکیه بصورت مهمترین منطقه ی اقتصادی درآمدند ، بطوری که تا پایان سال ۱۹۸۱ ، قراردادهایی به ارزش حدود ۹ میلیارد دلار با کشورهای مختلف این منطقه منعقد ساختند .

علیرغم موفقیت های قابل توجه در سه ماهه آخر سال ۱۹۸۰ ، این سال دومین سال متوالی بود که تولید ناخالص داخلی ترکیه با رشد منفی مواجه گردید . به لحاظ سیاست های پولی انقباضی و افزایش سریع قیمت های نفت ، سرمایه گذاری خصوصی داخلی در سال ۱۹۸۰ کاهش چشمگیری یافت . همچنین کسری حساب جاری علیرغم ازدیاد قابل توجه در جریان سرمایه (بداخل) افزایش زیادی یافت ، بطوری که در مقابل $3/2$ میلیارد دلار واردات نفت ، ارزش کل صادرات به $2/9$ میلیارد دلار رسید . در این سال نرخ تورم از ۱۰۰ درصد نیز گذشت .

در خلال سال ۱۹۸۱ ، وضعیت اقتصادی ترکیه بهبود چشمگیری یافت . نرخ تورم کاهش یافت و به یک نرخ سالانه حدود ۳۵ درصد محدود گردید . واردات نفت به پایین تر از سطح سال ۱۹۸۰ رسید و حجم واردات غیرنفتی اگرچه افزایش قابل توجهی پیدا کرد (به لحاظ بهبود اقتصادی) ، لکن ارزش دلاری واردات تنها ۱۳ درصد افزایش یافت .

افزایش ارزش های ارسال کارگران شاغل در خارج و همچنین درآمد حاصل از قراردادهای عمرانی با کشورهای خاورمیانه به کاهش کسری حساب جاری ترکیه کمک قابل توجهی نمود ، بطوریکه در سال ۱۹۸۱ با ۳۵ درصد کاهش به حدود $2/1$ میلیارد دلار رسید .

تولید ناخالص داخلی نیز در این سال ۴/۲ درصد افزایش یافت که این اولین رشد مثبت بعد از سال ۱۹۷۸ می باشد. بطور کلی در این سال تمام بخشهای اقتصادی از رشد خوبی برخوردار بودند، بویژه بخش صنعت که بدنبال افزایش ظرفیت مفید کارخانجات، شاهد ۷/۳ درصد افزایش بود. از سوی دیگر، وضعیت بدهیهای خارجی به موازات بهبود اوضاع کلی اقتصادی، شاهد تحولات مثبتی بود. نسبت اصل و فرع بدهیها از ۱۷ درصد مربوط به سال ۱۹۸۰ به ۱۳/۸ درصد در سال ۱۹۸۱ کاهش یافت. کاهش سهم اعتبارات کوتاه مدت در کل بدهیهای خارجی ترکیه از ۴۹ درصد مربوط به سال ۱۹۷۸ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۱ نیز در بهبود وضعیت بدهیهای این کشور تاثیر قابل توجهی داشت.

در نتیجه این موفقیت‌های اقتصادی که فوقاً بدانها اشاره شد، ساختار اقتصادی ترکیه طی سالهای ۸۱-۱۹۷۸ تغییر نسبتاً قابل توجهی کرد، بطوری که سهم ارزش افزوده بخش صنعت و معدن در تولید ناخالص داخلی از ۲۱/۲ درصد مربوط به سال ۱۹۷۸ به ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۱ افزایش یافت در حالی که سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی طی این مدت از ۲۵/۳ درصد به ۲۱/۹ درصد کاهش پیدا کرد و سهم بخش خدمات کم و بیش بدون تغییر ثابت ماند. (۱)

بطور کلی، اصلاحات اقتصادی که در سال ۱۹۸۰ شروع گردیده بود طی سالهای ۸۲-۱۹۸۰ نتایج قابل توجهی بدنبال داشت، به ویژه در مورد کاهش نرخ تورم و بهبود وضعیت تراز پرداختهای ترکیه. علیرغم وجود بحران و رکود در کشورهای عضو OECD (که عمده‌ترین طرفهای تجاری ترکیه هستند) صادرات کالا و خدمات ترکیه

(1): The World Bank, Op.cit, P.22.

به کشورهای مزبور طی ۳ سال اول دهه ۱۹۸۰ گسترش سریعی یافت که در نتیجه کسری حساب جاری در سال ۱۹۸۲ به حدود یک میلیارد دلار کاهش پیدا کرد (در مقایسه با ۲/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱) . همچنین نرخ تورم از بیش از ۱۰۰ درصد در اوائل دهه جاری به حدود ۲۵ درصد در سال ۱۹۸۲ رسید، که موفقیت چشمگیری برای اقتصاد این کشور محسوب می‌گردید .

در مجموع طی سال ۱۹۸۲ ، اقتصاد ترکیه شاهد رشد مطلوبی بوده است . رشد تولید ناخالص ملی این کشور در این سال به ۴/۶ درصد بالغ گردید که در مقایسه با ۵ سال قبل از آن بیشترین رشد را نشان می‌دهد . همچنین در این سال بخشهای کشاورزی و صنعت بترتیب از نرخهای رشد ۶/۴ درصد و ۴/۶ درصد برخوردار گردیدند که بویژه بخش کشاورزی در مقایسه با رشد ۱/۰ درصدی سال ۱۹۸۱ در این سال (۱۹۸۲) شاهد نرخ رشد بالایی بود . سرمایه‌گذاری ثابت (عمومی و خصوصی) و مصرف (عمومی و خصوصی) نیز در این سال بترتیب ۳/۴ درصد و ۳/۹ درصد نسبت به سال ۱۹۸۱ افزایش داشتند . کسری بودجه دولت نیز طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ بدنبال یک سری اقدامات هماهنگ نظیر افزایش سطح پایه مالیات بر درآمد، ازدیاد برخی نرخهای مالیات غیرمستقیم ، بهبود سیستم جمع آوری مالیات و برقراری محدودیت بر برخی هزینه‌ها بویژه سرمایه‌گذاری عمومی و سوبسیدها ، کاهش قابل توجهی پیدا کرد . در همان زمان بهبودی در وضعیت مالی شرکت‌های اقتصادی دولتی از طریق افزایش قیمت‌ها ، کاهش دستمزدها و کاهش تدریجی برنامه‌های سرمایه‌گذاری در بخش صنایع بوجود آمد .

در این دوره همچنین سیاست‌های پولی که در گذشته بن‌درت

بعنوان یک ابزار مدیریت تقاضا مورد استفاده قرار می‌گرفت و در خلال دهه ۱۹۷۰ همواره انبساطی بوده ، بصورت انقباضی درآمد. نرخهای بهره که تا آن زمان با افزایش روند تورم هماهنگی نداشت ، بطور اساسی افزایش یافت و سقف آن بر اساس رشد اعتبارات بانک مرکزی به بخشهای عمومی و خصوصی تعیین گردید. در اواسط سال ۱۹۸۲ بدنبال از بین رفتن صرافهای بخش خصوصی ، علی‌رغم تزریق پیش‌بینی نشده نقدینگی، از سرعت رشد حجم پول و اعتبار بطور قابل توجهی کاسته شد .

سیاست‌های پولی و مالی طی این دوره با یک سیاست قاطع درآمدی تکمیل گردید. چانه زدن در مورد سطح دستمزدها که غالباً با اعتصابات همراه بود، جای خود را به سیاست‌های تعیین دستمزد که توسط هیئت عالی داوری مشخص می‌گردید ، داد که نهایتاً "منجر به کاهش دستمزدهای واقعی گردید. در همان زمان قیمت‌های حمایتی برای محصولات کشاورزی (تضمین حداقل قیمت برای کشاورزان از طریق فروش به تعاونی‌ها) نیز افزایش اندکی پیدا کرد .

علاوه بر اقداماتی که به منظور پایین نگاه داشتن درآمدهای داخلی و تقاضای کل و همچنین کاهش نرخ تورم بعمل آمد، تدابیر ویژه‌ای جهت تشویق صادرات اتخاذ گردید. تعدیلات دوره‌ای نرخ ارز که از تاریخ ژوئن ۱۹۸۱ به صورت روزانه درآمد، جایگزین سیاست سنتی نرخهای ثابت ارز که منجر به ارزش‌گذاری بیش از حدلیبره شده بود، گردید. در نتیجه، نرخ واقعی و موثر ارز بین نیمه سال ۱۹۸۱ تا پایان سال ۱۹۸۲، با یک افزایش قابل توجه در قدرت رقابت‌پذیری صادرات، کاهش چشمگیری پیدا کرد. علاوه بر این مشوقهای مالی برای صادرات به مورد اجرا گذارده شد و موانعی که

قبلاً" بر سر راه صادرات وجود داشت برطرف گردید .

قابل ذکر است که ، کاهش تقاضای داخلی محدودیت‌های جدی برای شرکت‌ها و موسساتی که قادر به تغییر تولید خود به سمت صادرات نبودند ، بوجود آورد . مشکل نقدینگی این شرکت‌ها کسبه بدنبال بحران داخلی و افزایش بار بدهی آنها به بانک‌های اعتباری در سال ۱۹۸۲ بوجود آمده بود ، منجر به اعمال فشار بر مسئولین مملکتی مبنی بر تعدیل سیاست‌های اقتصادی در سال ۱۹۸۳ گردید .

بطور کلی ، اقداماتی که طی سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۲ در جهت اتکاء بیشتر به نیروهای بازار ، مدیریت نرخ ارز ، تشویق صادرات ، کاهش و عقلایی کردن مداخله دولت در اقتصاد ، تعیین نرخهای بهره و اتخاذ سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی و غیره صورت گرفت ، علاوه بر اثرات مهم و فوری آن که همانا کاهش نرخ تورم و کاهش کسری حساب جاری بود ، باعث گردید که بهبود قابل توجهی در ساختار اقتصاد بوجود آید . (۱)

بدنبال انتخابات نوامبر ۱۹۸۳ ، دولت غیرنظامی به رهبری تورگوت اوزال زمام امور را در دست گرفت . وی با تاکید بر ادامه سیاست‌های اقتصادی که از سال ۱۹۸۰ شروع گردیده بود ، رؤس و اهداف اقتصادی دولت خود را بدین شرح اعلام داشت : اتکاء بیشتر به اقتصاد آزاد ، تسهیل رویه‌های اداری و اجرایی (که با ادغام چند وزارتخانه و سازمان دولتی به مورد اجرا درآمد) ، کاهش گسترده تر مداخله دولت در اقتصاد ، تجدید حیات صادرات (که در

(1) : OECD, Economic Surveys; Turkey (Paris, 1984),

سال ۱۹۸۳ کاهش چشمگیری یافته بود)، تلاشهای مجدد جهت کاهش تورم، بهبود قدرت خرید و ظرفیت پس انداز طبقات متوسط مردم، اقداماتی درخصوص تامین مسکن و بدنبال آن تجدید سرمایه گذاری در مناطق روستایی که منجر به حل مشکل ساختاری بیکاری گردد.

از این رو مقامات و مسئولین ترکیه پیش نویس یک سلسله اقدامات را تهیه و به مجلس تقدیم کردند که بسرعت جهت اجرا مورد تصویب قرار گرفت.

دولت جدید هنگام روی کار آمدن در دسامبر ۱۹۸۳ بسا دو وظیفه اصلی و ضروری مواجه بود. در کوتاه مدت، سیاستهای ثبات اقتصادی میبایست با در نظر گرفتن دو مشکل اساسی یعنی موازنه پرداختها و شتاب فزاینده تورم به مورد اجرا درمی آمد و در میان مدت، رشد مداوم به تغییرات و تعدیلات ساختاری در نهادها، سیاستها و گرایشات نمایندگان گروههای اقتصادی نیاز داشت، که در گذشته به لحاظ عدم رضایت عمومی و همچنین فقدان یک خط مشی سیاسی مشخص به کندی صورت میگرفت.

تعدیل ساختاری در میان مدت، سرمایه گذاری قابل توجهی را در زیر ساختها و ظرفیت تولیدی ایجاد میکرد. از آنجا که پس اندازهای داخلی کافی نبودند، از این رو جهت تامین این سرمایه گذاریها میبایست به واردات سرمایه توسل جست. رشد زیاد جمعیت (سالانه بیش از ۲ درصد) و نرخ بیکاری متجاوز از ۲۰ درصد کل جمعیت فعال، مزید بر مشکلات ترکیه گردیده بود. اگرچه شدت سیاست ثبات اقتصادی می توانست در کوتاه مدت اثر معکوسی بر رشد تقاضا داشته باشد، لکن بهبود تراز پرداختها و جلوگیری از افزایش قیمتها بعنوان پیش شرط رشد مداوم در میان مدت، ضروری بود.

با توجه به چنین سوابقی بود که تجدیدنظر در تدابیر جدید اقتصادی ضرورت پیدا می‌کرد. سیاست اقتصادی دولت تفاهت‌های چشمگیری با آنچه در گذشته صورت می‌گرفته، داشت. از نظر زمانی، مهمترین تغییرات در دسامبر ۱۹۸۳ صورت گرفت. تعداد وزرای کابینه از ۲۱ نفر به ۱۳ نفر کاهش پیدا کرد. مسئولیت تنظیم و هماهنگی کلیه سیاست‌های اقتصادی در دفتر معاونت‌خانه‌داری و تجارت خارجی به ریاست قائم مقام نخست‌وزیر، متمرکز گردید. سایر بخش‌های وزارت سابق مالیه (دارایی) در وزارت گمرکات ادغام گردید. همچنین بخش بازرگانی داخلی با وزارت صنایع، و وزارت امور روستایی با وزارت کشاورزی ادغام شدند.

علاوه بر اینها به بانک مرکزی جهت تنظیم سیاست‌های پولی و مدیریت قروض خارجی، تحت نظارت شورای پول و اعتبار و به ریاست قائم مقام نخست‌وزیر، اختیارات بیشتری داده شد.

در سال ۱۹۸۳ به منظور جبران کسر بودجه ۱۴۰ میلیارد لیره‌ای (معادل ۱/۲ درصد تولید ناخالص ملی) برای هزینه‌ها و درآمدهای دولت ۳۴/۵ درصد افزایش در نظر گرفته شد. در عمل هم درآمدها و هم هزینه‌های دولت کمتر از آنچه که در برنامه منظور شده بود افزایش یافتند و کسر بودجه تنها به ۴۷ میلیارد لیره (۰/۴ درصد تولید ناخالص ملی) بالغ گردید. کل درآمدهای مالیاتی ۲۴ درصد افزایش یافت که در این میان مالیات‌های غیرمستقیم به لحاظ تغییراتی که در نرخ مالیات‌های مستقیم بوجود آمده بود، سهم بیشتری را در کل درآمدهای مالیاتی دولت تشکیل می‌دادند. (۱)

(۱): قابل ذکر است که در سال ۱۹۸۳، متوسط نرخ مالیات بر درآمد شخصی، برای درآمدهای کمتر از یک میلیون لیره در سال از ۳۹ درصد به ۳۶ درصد و همچنین مالیات بر شرکتها از ۵۰ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافتند.

در سال ۱۹۸۳، تولید ناخالص ملی ترکیه به لحاظ رشد منفی بخش کشاورزی (۲/۵ - درصد) تنها ۳/۲ درصد افزایش یافت و تغییرات مختصری در سهم بخشهای عمده اقتصادی در تولید ناخالص ملی بوجود آمد، بطوریکه برحسب قیمت های ثابت ، سهم بخشهای کشاورزی، صنعت و خدمات بترتیب به ۲۱/۴ درصد، ۲۶/۴ درصد و ۵۲/۲ درصد بالغ گردید. همچنین درآمد سرانه تنها با ۱/۱ درصد افزایش - برحسب نرخ برابری ارز در نیمه سال - به ۱۱۱۵ دلار رسید. میزان پس اندازهای خصوصی در حدود ۹ درصد تولید ناخالص ملی ثابت ماند، درحالیکه پس اندازهای عمومی از ۸/۹ درصد در سال ۱۹۸۲ به ۸ درصد در این سال کاهش یافت ، بدین ترتیب کل پس اندازهای داخلی از ۱۸/۲ درصد تولید ناخالص ملی مربوط به سال ۱۹۸۲ به ۱۷/۱ درصد در سال ۱۹۸۳ کاهش یافت .

سرمايه‌گذاري ثابت خصوصي که طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ با کاهش شدیدی مواجه گردیده بود، طی سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ متعاقب تمرکز سرمایه‌ها در جهت فعالیت‌های صادراتی ، بترتیب ۵/۴ درصد و ۴/۸ درصد افزایش یافت. در سال ۱۹۸۳ رشد مصرف دولتی تنها یک درصد افزایش داشته که آنهم بدلیل افزایش اشتغال در این بخش بوده است. در مقابل مصرف بخش خصوصی طی این سال ، متعاقب کاهش نرخهای مالیاتی و افزایش قدرت خرید و همچنین کاهش پس اندازهای شخصی بدلیل کاهش نرخهای بهره بر سپرده‌های مدت دار ، شاهد ۴/۷ درصد افزایش بود .

صادرات ترکیه در سال ۱۹۸۳، علیرغم چند سال متوالی بهبود در وضعیت تجارت خارجی این کشور ، از کاهش قابل توجهی برخوردار گردید. صادرات محصولات کشاورزی در این سال ۱۲ درصد

کاهش پیدا کرد و این در حالی است که صادرات تولیدات صنعتی در سال مزبور کمتر از ۷ درصد افزایش داشته است. قابل ذکر است که کاهش صادرات ترکیه در سال ۱۹۸۳ در واقع کاهش ارزش و قیمت‌های صادراتی این کشور بوده است و نه کاهش حجمی آن، بطوریکه علی‌رغم ۱۴ درصد رشد حجمی صادرات ترکیه در سال مزبور (در مقایسه با ۳۴ درصد در سال ۱۹۸۲) قیمت‌های صادراتی این کشور طی همان سال ۱۲/۵ درصد کاهش یافتند. مشکلات اقتصادی برخی از طرفه‌سای تجاری ترکیه در خاورمیانه بویژه عراق و مصر که صادرکنندگان ترک را به منظور حفظ بازار مجبور به پایین نگاهداشتن قیمت‌ها در سطح کمتری از هزینه‌ها نمود، از جمله عوامل عمده‌ای در کاهش صادرات این کشور در سال ۱۹۸۳ محسوب می‌گردیده است. محدودیت قائل شدن مسئولین ترکیه در اعطاء اعتبارات صادراتی به منظور جبران افزایش وام‌هایی که برای مصارف داخلی مورد استفاده قرار می‌گرفت، از دیگر عواملی است که در کاهش صادرات ترکیه در سال مزبور موثر بوده است. همچنین تغییر نحوه تجارت ترکیه بسا کشورهای اروپای شرقی که از اواخر سال ۱۹۸۲، به جای تهاوری به شکل پرداختهای نقدی صورت می‌گرفت، به لحاظ کمبود ارزش خارجی که این کشورها با آن مواجه بودند، در کاهش درآمد صادراتی ترکیه موثر واقع گردید.

در سال ۱۹۸۳ واردات ترکیه با ۴/۴ درصد افزایش (برحسب دلار)، از ۸/۸۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ به ۹/۲ میلیارد دلار بالغ گردید. واردات نفت این کشور در سال مزبور در مجموع (برحسب دلار) ۲/۲ درصد کاهش یافت در حالی که از نظر وزنی شاهد ۹/۴ درصد افزایش بود. کاهش قیمت‌های نفت و وارداتی ترکیه (۱۵/۶ درصد در سال

۱۹۸۳) عمدتا " به دلیل قراردادهای دوجانبه این کشور با تامین کنندگان عمده نفت ترکیه یعنی ایران ، عراق و لیبی بوده است که طی آن کشورهای مزبور به لحاظ مشکلات مالی خود، تخفیفاتی برای ترکیه در نظر گرفته بودند. از سوی دیگر، ارزش دلاری واردات غیرنفتی - عمدتا " از طریق کشورهای عضو OECD - در مجموع ۹/۳ درصد افزایش یافت (۱۳/۹ درصد در حجم و ۴- درصد در قیمت). کاهش قیمت واردات ترکیه از کشورهای مزبور عمدتا " به لحاظ افزایش ارزش دلار در مقابل ارزهای اروپایی بوده است. بطور کلی، کسری تجاری ترکیه در سال ۱۹۸۳، ۴۰۰ میلیون دلار بیش از سال ۱۹۸۲ بوده است (۳/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ و ۳/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳).

مازاد تجارت نامرئی ترکیه نیز در سال مزبور با ۵۰۰ میلیون دلار کاهش به ۱/۴ میلیارد دلار بالغ گردید. این تنزل عمدتا " بدلیل کاهش ارزهای ارسالی کارگران ترک شاغل در خارج بوده است. قابل ذکر است که سایر درآمدهای بخش تجارت خدمات نظیر توریسم و درآمدهای حاصل از قراردادهای ترکیه در خارج، در سال ۱۹۸۳، افزایش داشته است. کسری حساب جاری ترکیه (۲/۱ میلیارد دلار)، گرچه مقامات این کشور را با مشکلات مالی اضطراری مواجه نساخت، لکن تغییری در ساختار جریان سرمایه ترکیه بوجود آورد.

در سال ۱۹۸۳ نیز همچون سالهای گذشته واردات سرمایه‌های میان و بلندمدت (۱/۱ میلیارد دلار) همراه با تجدید جریان سرمایه بانکی بلندمدت - بداخل - (۳۶۵ میلیون دلار) از طریق موسسات مالی خارجی، بخش اعظم نیازهای مالی این کشور را تامین

مینموده است. بطوریکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه طی سال مزبور تنها ۷۲ میلیون دلار بوده است.

با در نظر گرفتن کسری تراز پایه ترکیه در سال ۱۹۸۲ (۶۰ میلیون دلار) و افزایش قابل توجه آن در سال ۱۹۸۳ (۱/۶ میلیارد دلار) مشاهده میشود که افزایش اساسی در جریان سرمایه کوتاه مدت این کشور طی سال مزبور بوجود آمده، بطوری که از ۷۴ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ به ۸۵۳ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ بالغ گردیده است (حدود ۱۲ برابر) که شامل ۴۴۰ میلیون دلار حسابهای پس‌انداز کارگران نیز میشود.

بطور کلی به لحاظ چنین افزایش چشمگیری در سرمایه کوتاه مدت کسری تراز کلی ترکیه در سال مزبور به ۱۴۰ میلیون دلار محدود گردید. که با وام ۱۹۳ میلیون دلاری IMF جبران گردید و ذخیره‌ای معادل ۵۳ میلیون دلار نیز برای این کشور بدنبال داشت. قابل ذکر است که کل بدهی‌های خارجی ترکیه (شامل قروض کوتاه مدت) تا پایان سال ۱۹۸۳ بالغ بر ۱۸/۵ میلیارد دلار می‌گردیده که این میزان معادل ۳۶ درصد تولید اسمی ناخالص ملی این کشور در سال فوق بوده است. (۱)

(1): OECD. Op.cit, P.21.

تراز پرداختهای ترکیه (۸۳-۱۹۸۰)

(میلیون دلار)

۱۹۸۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	
				حساب جاری
-۳۵۰۷	-۳۰۹۷	-۲۲۳۰	-۴۹۹۹	تراز تجاری
۵۷۲۸	۵۷۲۶	۲۷۰۳	۲۹۱۰	صادرات (فوب)
۹۲۳۵	۸۸۴۳	۸۹۳۳	۷۹۰۹	واردات (سیف)
۱۳۸۴	۱۹۳۰	۲۱۳۸	۱۷۸۹	خالص تجارت نامرئی
۱۵۵۴	۲۱۸۷	۲۴۹۰	۲۰۷۱	ارزهای ارسالی کارگران
-۱۴۴۲	-۱۴۶۵	-۱۱۹۳	-۶۶۸	پرداخت بهره
۲۸۴	۲۶۲	۲۷۷	۲۱۲	خالص توریسم
۹۸۸	۹۴۶	۵۶۴	۱۷۴	سایر (خالص)
-۲۱۲۳	-۱۱۶۷	-۲۰۹۲	-۳۲۱۰	تراز جاری
				حساب سرمایه
۴۹۳	۱۱۹	-۱۸	۳۱۳	سرمایه خصوصی
۵۶	۴۹	۶۹	۹۵	لغو واردات
۷۲	۵۵	۶۰	۵۶	سرمایه‌گذاری مستقیم
۳۶۵	۱۵	-۱۲۷	۱۶۲	اعتبارات تجاری
۱۱۱۷	۱۸۴۰	۱۴۸۲	۲۱۳۵	سرمایه رسمی
۵۰۸	۷۵۴	۶۴۲	۵۴۷	اعتبارات پروژه‌های
۶۰۹	۱۰۸۶	۸۳۰	۱۵۸۸	اعتبارات برنامه‌های
-۱۰۹۳	-۸۵۲	-۵۸۵	-۵۷۶	بازپرداخت قروض
۵۱۷	۱۱۰۷	۸۷۹	۱۸۷۲	تراز سرمایه
-۱۶۰۶	-۶۰	-۱۲۱۳	-۱۲۳۸	تراز پایه
-	-	۲۴	۲۷	تخصیصات حق برداشت مخصوص
۸۵۳	۷۴	-۲۱۲	۲۱۶	سرمایه کوتاه مدت
۶۱۳	۲۰۶	۱۱۲۴	۹۴۱	خطاها و از قلم افتادگیها
-۱۴۰	۲۲۰	-۲۷۷	-۱۵۲	تراز کلی
۱۹۳	۲۰۵	۳۳۵	۴۶۱	خالص استفاده از منابع IMF
-۵۳	-۴۲۵	-۵۸	-۳۰۷	خالص تغییر در ذخایر (- = افزایش)